



چگونگی مواجهه ی اهل بیت (ع) با اهل کتاب

پدیدآورده (ها) : زارع، محمد؛ مطهری، سید مصطفی
علوم قرآن و حدیث :: حدیث حوزه :: پاییز و زمستان 1395 - شماره 13 (علمی-ترویجی)
از 115 تا 130

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1190606>

دانلود شده توسط : موسسه دارالحدیث

تاریخ دانلود : 14/02/1396

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

چگونگی مواجهه اهل بیت علیهم السلام با اهل کتاب

تاریخ دریافت: ۹۵/۱/۲۰ تاریخ تأیید: ۹۵/۷/۱۰

محمد زارع*

سید مصطفی مطهری**

چکیده

شناخت دیدگاه اهل بیت علیهم السلام در مواجهه با اهل کتاب در ابعاد گوناگون، علاوه بر معرفی چهره ایشان به عنوان الگوهای مدیریتی، در فهم زوایای مختلف آموزه‌های اسلامی نیز مؤثر است. در نوشته حاضر، با مراجعه به منابع اسلامی و ارائه نمونه‌های روایی، مهم‌ترین شاخصه‌های این موضوع بیان می‌شوند. این موارد عبارتند از: اخلاق‌مداری، گفت‌وگومداری عالمانه، قانون احترام، مهرورزی به اهل کتاب، عدالت‌محوری، وفاداری در پیمان‌ها و حفظ امنیت. دانسته است که این شاخصه‌ها در زمان برقراری حکومت اسلامی اهل بیت علیهم السلام تبلور یافته رفتار ایشان در دوره اختیار نداشتن حکومت است نه آن‌که امری صرفاً حکومتی باشد. **کلیدواژه‌ها:** مواجهه اهل بیت علیهم السلام با پیروان ادیان، اهل کتاب، مسیحیت، یهودیت.

*کارشناسی ارشد رشته علوم حدیث دانشگاه قرآن و حدیث، نویسنده مسئول (hafez1319@gmail.com).
**عضو هیأت علمی پژوهشگاه قرآن و حدیث.

مقدمه

قرآن کریم علاوه بر توصیه عمومی مسلمانان به نیکو سخن گفتن با یکدیگر، به کارگیری روش‌های شایسته را در مواجهه با اهل کتاب مورد تأکید قرار داده است؛ هرچند در کنار این تأکید، بر اساس همان منطق استوار قرآنی، پذیرش ولایت کفار و اهل کتاب شدیداً نفی شده است. منشأ این موضع‌گیری را می‌توان در انکارورزی حقایق و یا اقدام عملی ایشان علیه پیامبر و مسلمانان^۱ یافت. با این نگاه، اعتقاد دینی اهل کتاب در این موضع‌گیری نقشی ندارد؛ به عبارت دیگر، اسلام با حفظ منافع مسلمانان، پذیرای تعامل با اهل کتاب یا صاحبان ادیان آسمانی همچون مسیحیت و یهودیت است.

از زاویه دیگر، شناخت دیدگاه اهل بیت علیهم‌السلام در چگونگی مواجهه با اهل کتاب، علاوه بر معرفی چهره ایشان به عنوان الگوهای رفتاری شایسته پس از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، به خصوص از بُعد عناصر رفتارساز اسلامی، در فهم زوایای گوناگون آموزه‌های دینی مبتنی بر قرآن و سنت، نیز مؤثر است. در این نگاه باید هرگونه تعامل و مواجهه اهل بیت علیهم‌السلام با پیروان ادیان را که از مبانی وحی و سیره اجتماعی و سیاسی پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ریشه می‌گیرد، در گستره آداب و رفتارهای روزمره مورد بررسی قرار گیرد و بر پایه آن - که تفسیر گویا از تعالیم غنی اسلام محسوب می‌گردد و دریچه‌های جدیدی از بینش و ارزش در قلمرو وسیع اسلام را باز می‌نماید - اصول تعاملی مشخصی ارائه گردد.

اهمیت این موضوع اگرچه دغدغه برخی پژوهش‌های دوره معاصر بوده است^۲، اما نقطه تمایز این نوشته، توجه به گونه مواجهه اهل بیت علیهم‌السلام بر پایه روایت است، در حالی که پژوهش‌های نام‌برده معمولاً با نگاهی بر پایه احکام فقهی و یا محور قرار دادن یک جنبه محدود سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی همراه بوده است.

بررسی مجموعه آیات و روایات بر این نکته تأکید دارد که مواجهه اهل بیت علیهم‌السلام

۱. نساء: ۴.

۲. ممتحنه: ۹۱.

۳. فارض رجب اف، «روابط سیاسی مسلمانان با اهل کتاب در قرآن و حدیث»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، مجتمع آموزش عالی امام خمینی رحمته‌الله‌علیه عبدالرضا هوشمندزاده، «طهارت اهل کتاب از دیدگاه فقهای شیعه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی؛ محمود حیدری، «جایگاه اهل کتاب در حکومت اسلامی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد الهیات، معارف اسلامی و ارشاد، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.

با اهل کتاب می‌تواند از دو منظر اساسی مورد توجه قرار گیرد؛ نخست در فضایی که پرچم حاکمیت اسلامی استوار نشده است و قدرت اداره امور در اختیار مسلمانان نیست و دوم، زمانی است که حکومت اسلامی برقرار شده و ابزار قدرت در اختیار حاکم است. این زاویه دید از آن رو اهمیت دارد که ابزار قدرت می‌تواند منشأ عدالت یا ظلم قرار گیرد که این دو، پایه‌ای اصلی در به دست دادن نگرشی جامع درباره هر آیینی به شمار می‌آید و می‌تواند تصویری حقیقی از یک دین را به نمایش بگذارد. بنابراین آنچه در پی می‌آید، مهم‌ترین شاخصه‌های چگونگی مواجهه اهل بیت علیهم‌السلام با اهل کتاب است که به صورت بنیادین در سیره ایشان وجود داشته، به طوری که تبلور آن در شرایط برقراری حکومت نیز برگرفته از همان بنیان است.

اخلاق مداری

بی‌تردید «اخلاق مداری» از مهم‌ترین اصول رفتاری دین اسلام به شمار می‌رود تا آن‌جا که قرآن کریم، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را الگویی ممتاز و شایسته برای پیروی اخلاق مداران معرفی کرده است؛^۱ و در تبیین یکی از جنبه‌های رفتاری این الگو، شیوه برخورد با اهل کتاب را در قالب بیانی خطاب به پیامبر رحمت صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به مسلمانان آموزش داده است و چنین امر فرموده که: در مناظره و مباحثه با آنان، از بهترین روش‌های نیکو و زیبا استفاده کنید و به آن‌ها بگویید که ما به آنچه بر ما و شما نازل شده ایمان داریم و خدای ما و شما نیز یکی است.^۲ از این رو، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت طاهرینش علیهم‌السلام به نیکوترین و زیباترین وجه ممکن با اهل کتاب برخورد می‌کردند؛ برای نمونه، برخی یهودیان هنگام دیدن رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برای آزار زبانی پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از عبارت «السام علیکم» (یعنی: مرگ بر شما!) به جای «سلام علیکم» استفاده کردند. همسر ایشان با چهره‌ای غضب‌آلود پاسخ داد: «علیکم السام والغضب واللّعنه...». رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند: «چرا ناسزا می‌گویی؟ چرا عصبی و خشمگین می‌شوی؟!»^۳

در تاریخ اسلام، الگوهای مختلفی از روابط جامعه اسلامی با اقلیت‌ها دیده شده، اما الگوی کاملاً اسلامی و منطبق با اسلام ناب محمدی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را می‌توان در برخورد امام علی علیه‌السلام با اقلیت‌های دینی جست‌وجو کرد؛ برای نمونه، امیرالمؤمنین علیه‌السلام به کارگزارانش دستور می‌دهند: «مبادا مسلمانان، یهودیان و نصرانیانی را که تحت

۱. انبیاء: ۱۰۷.

۲. عنکبوت: ۴۶.

۳. الکافی، ج ۲، ص ۶۴۸.



حکومت شما هستند، کتک بزنید!»^۱ این امر نشان دهنده اصالت اخلاق محوری بین مسلمانان و اهل کتاب، از منظر امام مسلمین است؛ یعنی فردی که تبیین سنت نبوی را به درستی فرا گرفته است. در نمونه‌ای دیگر، هنگامی که فردی مسیحی به حالت مسخره و استهزا، از واژه «بقر» (یعنی گاو) به جای «باقر» (به معنای شکافنده) برای امام باقر علیه السلام استفاده کرده بود، امام با متانت و الاهی، مسیر تفکر او را تصحیح می‌کند.^۲

علاوه بر این موارد، در نگاه اخلاقی اهل بیت علیهم السلام رعایت برخی شئون در رفتار اجتماعی نمی‌تواند به دلیل اختلاف دین و عقیده و یا به دلیل برعهده داشتن منصب، کنار نهاده شود؛ برای نمونه، امام در توجیه سبب مشایعت مرد غیرمسلمان در مسیر کوفه، آن را امری مطابق شرع و رفتار پیامبر صلی الله علیه و آله دانسته و می‌فرماید: «این از کمال و حقوق هم‌نشینی است که انسان رفیق همراه خود را به هنگام جدایی، قدری همراهی و بدرقه کند و این دستور پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است.»^۳

گفت و گومداری عالمانه

«گفت و گو» جایگاه ویژه‌ای در فرایند تبیینی ادیان الهی، به منظور تعلیم و تربیت دارد، زیرا با تبیین استوار آن، تفکر بشری رشد می‌یابد و هدایت، جریان خود را می‌پیماید. این ویژگی، نه تنها به هنگام دعوت به اسلام، ابزار شاخصی به شمار می‌آید، بلکه در اسلام به مثابه مبنای رفتاری مورد تأکید قرار گرفته است. از این رو، باب گفت و گو و تعامل با اهل کتاب، یکی از مباحث مهم و کلیدی نزد رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام به شمار می‌آید. این گونه برخورد با اهل کتاب و گفت و گوی بین ادیانی، از دستور قرآنی نشئت می‌گیرد که در این باره به صراحت می‌فرماید: «با مخالفان و پیروان ادیان دیگر به طریقی که نیکوتر است گفت و گو کنید.»^۴ این مشروعیت گفت و گوی بین ادیان توحیدی و احترام به عقاید آنان و التزام به شیوه‌های پسندیده در گفت و گوها، از آن جا ناشی می‌گردد که اسلام، کتب آسمانی اهل کتاب را تصدیق کرده و فرموده: «این کتاب را به حق و راستی برتونازل کرد که تصدیق‌کننده کتاب‌های پیش از خود است و تورات و انجیل را پیش از این برای هدایت مردم فرستاد و فرقان را که مایه جدایی حق از باطل است نازل کرد.»^۵ این زاویه فکری نشان می‌دهد، گوهر «هدایت» از منظر اسلام بر

۱. همان، ج ۳، ص ۵۴۰.

۲. بحار الأنوار، ج ۴۶، ص ۲۸۹.

۳. الکافی، ج ۲، ص ۶۷۰.

۴. نحل: ۱۲۵.

۵. آل عمران: ۴۳.



مبنای گفت‌وگوی برهانی استوار شده است و کاربرد ابزارهای دیگر مانند فعالیت نظامی، امری است که به هنگام ضرورت مجاز می‌گردد؛ چنان‌که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گفت‌وگوی همراه با برهان و استدلال را حتی در میدان جنگ مقدم می‌داشتند. در توصیه‌ای از پیامبر صلی الله علیه و آله به اصحابشان آمده است: «با کفار وارد جنگ نشوید، مگر این‌که آن‌ها را به گفت‌وگو دعوت کرده باشید.»^۱ هم‌چنین توصیه حضرت به امام علی علیه السلام هنگامی که ایشان را به یمن اعزام کردند، نمونه روشن دیگری است: «ای علی! مبدا با احدی جنگ و قتال را شروع کنی، مگر این‌که آن‌ها را به دین اسلام دعوت کرده باشی، چراکه اگر کسی به دست تو هدایت شود، بهتر از آن است که خورشید بر او طلوع و غروب کند.»^۲

هم‌چنین امیرمؤمنان علی علیه السلام در خطبه قاصعه در این باره می‌فرماید: «همانا خداوند سبحان اراده فرمود پیروی از پیامبران و کتب آسمانی را.»^۳ این کلام امام نیز در راستای آیه شریفه‌ای است که پیش از این به آن اشاره شد^۴ که خود مبین احترام به عقاید اقلیت‌های دینی و گواهی به حقانیت کتاب‌های اصلی و آسمانی^۵ آنان است. امام علیه السلام با این سخن نه تنها برای معتقدات و آیین پیروان کتاب‌های آسمانی احترام قائل شده، بلکه اصولاً این حق را برای آنان محفوظ شمرده که اهل کتاب می‌توانند در چارچوب عقل و برهان، درباره عقاید مذهبی با مسلمین به بحث و گفت‌وگو بپردازند و به دور از تعصبات دینی، از اعتقادات خود دفاع کنند. در نمونه‌ای دیگر، امام صادق علیه السلام از اجداد خود، از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده‌اند که فرمودند: «پیش از آن‌که به فکر جنگ با آنان باشید، از در گفت‌وگوی برهانی و احتجاج نسبت به معتقدات دین با آنان وارد شوید.»^۶ هم‌چنین گفت‌وگوهای امام رضا علیه السلام با اهل ادیان که گزارش‌های مفصل آن در کتاب عیون اخبار الرضا علیه السلام آمده است، از بارزترین نمونه‌های این منش است.^۷

قانون احترام

از دیدگاه منابع اسلامی، به‌ویژه سیره نبوی و رفتار اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله، همه پیروان ادیان الهی در قوانین اسلامی و نیز براساس قوانین مشخصه و تعیین شده

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۳۱.

۲. همان، ص ۳۰.

۳. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲.

۴. آل عمران: ۴۳.

۵. فاطر: ۳۱.

۶. دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۳۶۹.

۷. بقره: ۲۵۶؛ آل عمران: ۶۴؛ عنکبوت: ۴۶.



در آیین خود، مورد احترام بوده و دارای کرامت انسانی^۱ هستند. بنابراین در اصل «احترام» فرقی بین مولود مسلمان و غیرمسلمان نیست و هیچ کس -چه حاکم باشد و چه شخصی عادی- حق ندارد با بربرتر دانستن خود، اهل کتاب را نامحترم شمارد و یا به او دشنام یا نسبت ناروا بدهد و او را با القاب زشت و ناپسند مورد خطاب یا تهمت قرار دهد؛ برای مثال، در داستان مراجعه امّ هانی، خواهر امیرالمؤمنین علیه السلام، و کنیز غیرمسلمانش به امام علی علیه السلام و تعیین حق مساوی ایشان از بیت المال از سوی امام که اعتراض امّ هانی را به دنبال داشت^۲، و یا در اعتراض مرد انصاری به حضرت که وی را در برابر برده‌ای آزادشده مساوی دانستند، امام علیه السلام در پاسخ هر دو از این عبارت استفاده می‌کنند که: «من قرآن را خواندم، ولی در هیچ کجای آن نیافتم که در آن برای فرزندان اسماعیل نسبت به فرزندان اسحاق حتی به اندازه بال پشه‌ای ارجحیت و برتری وجود داشته باشد.»^۳ این امر، نمونه‌ای روشن از راه‌کارهای تعاملی اهل بیت علیهم السلام را بر پایه احترام و تکریم و عدم تفاوت در برتری جایگاه اجتماعی عرب یا عجم، مسلمان یا غیرمسلمان بریکدیگر را به نمایش می‌گذارد. این‌گونه مواجهه اگرچه در فرآیند حکومت داری امام علی علیه السلام شکل گرفته است، اما بی‌شک مبنای مسلم آن، قرآنی است. از منظر قرآن هیچ‌گونه تبعیض و تفاوتی جز به معیار «تقوا» ملاک عمل نیست و تمایز اصولی انسان‌ها بر اساس تقوا نیز، معیاری در تقسیم وظایف و وسیله‌ای برای نیل به اهداف عالی‌ه انسانی است، نه عامل تبعیض در اهداف مادی؛ چنان‌که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در منشور جاودانه خود در حجه الوداع فرمود: «ای مردم! همانا پروردگار شما یکی است و پدر شما یکی است؛ همه شما از آدم هستید و آدم از خاک. همانا گرمی‌ترین شما نزد خداوند باتقواترین شماست و هیچ عربی را بر عجمی فضیلتی نیست مگر با تقوای الهی.»^۴ دانسته است که این سخن علاوه بر آن‌که مسلمانان عرب و تازه‌مسلمانان غیرعرب را در برمی‌گیرد، مسلمانان و غیرمسلمانان را به صورت کلی در برمی‌گیرد. مؤید این توضیح، تعالیم قرآن کریم است که همه انسان‌ها را از هر نژاد و با هر نوع خصیصه مادی و معنوی، آفریده شده از یک نفس واحد می‌شناسد و می‌فرماید: «ای مردم! از پروردگارتان تقوا پیشه کنید؛ آن‌که شما را از یک تن آفرید و جفتش را از جنس او آفرید و از آن دو تن، مردان و زنان بسیاری را منتشر ساخت.»^۵

۱. اسراء: ۷۰.

۲. الإختصاص، ص ۱۵۱.

۳. الکافی، ج ۸، ص ۶۹، ح ۲۶.

۴. تحف العقول، ص ۳۰.

۵. نساء: ۱.

افزون بر آوردهٔ تعلیمی قرآن و سیره دربارهٔ نگاه یکسان داشتن به مسلمان و غیرمسلمان، چه از نگاه حاکمیتی و چه در برابر حاکمیت، اصل قوانین اهل کتاب نیز محترم شمرده شده است؛ از این رو، در نمونه‌های متعددی از سیرهٔ اهل بیت علیهم‌السلام نیز احترام به قوانین درون‌گروهی اهل کتاب و البته منطبق بر منابع ادیان الهی، در همهٔ حالات مورد تأکید قرار گرفته است. برای نمونه، آداب ازدواج در نزد برخی ادیان، دارای شرایطی است که با شیوهٔ اسلامی متفاوت است، اما اهل بیت علیهم‌السلام در برابر کسی که یکی از اهل کتاب را با الفاظ زشت مورد خطاب قرار می‌دهد، به صراحت عکس‌العمل نشان داده و با این ملاحظه که قانون ازدواج هر قوم و ملتی اگر مطابق با دین خود باشد صحیح است، درستی آداب و رسوم ازدواج در نزد اهل کتاب را یادآور می‌شوند. بر این اساس، امام صادق علیه‌السلام مسلمانان را از اتهام زدن به اهل کتاب و امری که از آن اطلاع ندارند نهی فرموده^۱ و با نگاهی محترمانه به دیگر ادیان و قوانین و آداب و رسوم آن‌ها، با ایشان برخورد می‌کنند.

در روایتی از امام باقر علیه‌السلام نقل شده است: «بر اهل هر دینی، آنچه را طبق اعتقادات خود مجاز می‌دانند، جایز است.»^۲ و یا در روایتی دیگر از امام صادق علیه‌السلام نقل شده: «برای هرامتی، نکاح و ازدواجی است که به وسیلهٔ آن از زنا خودداری می‌کنند.»^۳

بنابراین در رفتار اهل بیت علیهم‌السلام، چه در جایگاه حکومتی و اجرای قانون و چه در غیر آن، اهل کتاب دارای گونه‌ای احترام هستند که آنان را به لحاظ احترام اجتماعی، هم‌مرتبهٔ مسلمانان می‌نمایاند و علاوه بر آن، قوانین ایشان را همانند قوانین اسلامی دارای جایگاهی مشروع برمی‌شمرد.

مهرورزی به اهل کتاب

یکی دیگر از اصول رفتاری اهل بیت علیهم‌السلام، «مهرورزی» به اهل کتاب همانند مسلمانان است. امیرالمؤمنین علیه‌السلام، حاکم قلمرو اسلامی، به فرماندار خود در منطقهٔ «عکبراء» چنین سفارش می‌کند: «هنگامی که بر آنان (اهل ذمه) وارد می‌شوی، دقت کن که مبادا برای جزیه، لباس‌های آنان را بفروشی، اگرچه تابستان باشد و نیازی به آن لباس‌ها نداشته باشند؛ هم‌چنین ارزاق و چارپایان آنان را در معرض فروش نگذار. من حاضر نیستم توبه خاطر درهمی حتی، یک تازیانه بر یکی از آنان بزنی و یا برای مطالبهٔ درهمی حتی، آنان را بیازاری.»^۴

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۸۴.

۲. تهذیب الأحکام، ج ۹، ص ۳۲۲، ح ۴.

۳. الکافی، ج ۲، ص ۳۲۴، ح ۵.

۴. نهج البلاغه، نامه ۵۱.



و یا در جایی دیگر حضرت علیه السلام به مأموران مالیات و خراج خود در دولت اسلامی دستور می‌دهد: «مبادا مسلمانی یا یهودی و یا مسیحی را به خاطر یک درهم خراج و مالیات، تنبیه کنی و کتک بزنی و یا چارپایان آن‌ها را برای گرفتن مالیات، به فروش برسانی!»^۱ و همان‌گونه که از روایت روشن است، حضرت درباره گرفتن خراج و مالیات نیز نسبت به مسلمان و اهل کتاب، به عدالت رفتار کرده و فرقی بین آن‌ها نمی‌گذارد که این خود نمونه بارزی از نحوه برخورد و رفتار عدالت‌محورانه حضرت است با غیرمسلمانان و اهل کتاب.

امیرمؤمنان علیه السلام هنگامی که پیرمرد نصرانی از کار افتاده را در حال گدایی مشاهده فرمود، به مأمورانش تذکر داد که باید به وضعیت رفاهی وی رسیدگی شود، چراکه تا پیش از ناتوانی در حکومت اسلامی فعالیت می‌کرده و بر اثر پیری و نابینایی، نیازمند کمک دیگران شده است.^۲

در فرمان حکومتی امام علی علیه السلام به مالک اشتر، حضرت اشاره دارد به این‌که: «درباره مردم با رحمت و محبت رفتار کن که مردم یا برادر دینی توآند و یا در خلقت و آفرینش همچون تو هستند.»^۳ در این فراز از نامه، پیروان ادیان الهی و حتی غیر ایشان جزء کسانی خواهند بود که اگرچه به لحاظ دینی مسلمان نیستند، اما دست‌کم در آفرینش همانند ایشان هستند و از این رو، مشمول سخن امام می‌شوند. ترکیب «اشعر قلبک» بیان‌گر رحمت ملازمی است که از جان انسان جدا نمی‌شود، و در کنار دو واژه «محبت» و «لطف» همگی بیان‌گر سرشار شدن محبت هستند. امیرمؤمنان علیه السلام در نامه خود به مالک توصیه می‌کند که: سرشاری محبت خود را برای همگان به کار بند، و تصریح می‌کند که مردم یا در دین با تو یکی هستند و یا هم‌نوع توآند. بنابراین، حاکم اسلامی باید با اهل کتاب همانند مسلمانان رفتار کند و درباره آنان نه تنها از مهر و محبت خود دریغ نرزد که سرشار هم نماید. در این نامه، حضرت به عنوان حاکم اسلامی، از واژه «ناس» به معنای «مردم» نه مورد، «رعیت» به معنای «شهروند» سیزده مورد، «عامه» به معنای «همگان» سه مورد، «کل امری» به معنای «هر انسانی» دو مورد، «عباد الله» به معنای «بندگان خدا» یک مورد و مهم‌تر از همه «نظیر لک فی الخلق» به معنای «هم‌نوع تو در خلقت» در فرمان یک مورد، استفاده کرده است.^۴ این امر دلالت دارد بر این‌که حضرت علیه السلام در فرمان حکومتی خود، جامعه اسلامی را فقط برای مسلمانان نمی‌داند و حقوق اقلیت‌ها،

۱. الکافی، ج ۳، ص ۵۴۰.

۲. تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۲۹۳.

۳. نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۴. حکمت اصول اساسی اسلام، ص ۳۱۹.

از جمله مهرورزی به ایشان را از هر دین، مذهب، نژاد، ملیت، قومیت و آیینی که باشند، به عنوان سرلوحه خود می‌نگرد.

عدالت محوری

یکی از وظایف حکومت‌ها در قبال مردم و شهروندان جامعه، تشکیل دادگاه و محکمه عدل است. معیار این موضوع، قضاوت‌های امیرالمؤمنین علیه السلام است که بی‌تردید مورد تأکید اهل بیت علیهم السلام بوده است. قضاوت، محورین‌ترین عنصر اجرای عدل است، زیرا قاضی در حکومت اسلامی باید قادر باشد که از تضییع حقوق دیگران جلوگیری کرده و در تبیین حکم شرع نسبت به طرفین دعوا، داوری عادلانه‌ای را اقامه کند.

حضرت علیه السلام تخطی از رعایت آداب قضائی، از جمله عدم یکسانی مواجهه قاضی با طرفین دعوا را برای هیچ‌کس جایز نمی‌دانستند؛ برای نمونه، می‌توان به پذیرفتن حکم قاضی در قضاوت بین ایشان. در زمانی که ایشان خلیفه جامعه مسلمین بودند. و یک شخص یهودی اشاره کرد که حکم قاضی را که به نفع آن فرد یهودی صادر شده بود، پذیرفت، زیرا شواهد کافی بر ادعای حضرت اقامه نشد.^۱ این ماجرا دربرگیرنده نکات مهمی است که علاوه بر این که امنیت قضائی اهل کتاب در جامعه اسلامی را می‌رساند، در زمینه حمایت از حقوق مدنی اقلیت‌های دینی نیز، به روشنی تکلیف حاکم اسلامی و جامعه مسلمین را بیان می‌کند.

حضرت امیر علیه السلام درباره قضاوت می‌فرمایند: «به خدا سوگند، اگر برایم مسندی بیندازند و بر آن بنشینم، با اهل تورات به توراتشان، با اهل انجیل به انجیلشان، با اهل زبور به زبورشان و با اهل قرآن به قرآنشان فتوا دهم که هر کدام از آن کتب به زبان آمده و بگوید: علی درست گفت؛ به راستی شما را به همان فتوا داد که خداوند در من نازل فرموده. و شما مسلمانان که شبانه روز قرآن می‌خوانید، آیا در میان شما کسی هست که بداند چه در آن نازل شده؟ و اگر بیش از یک آیه در قرآن نبود، تا روز قیامت به شما خبر می‌دادم به آنچه بود و باشد و خواهد بود و آن آیه این است: "خداوند هر چه را خواهد، محو و هر آنچه خواهد، اثبات می‌کند و اصل کتاب نزد اوست"^۲»^۳

تبیین چنین حکمی از سوی مظهر عدل و عدالت، حضرت امیر علیه السلام، می‌تواند به آرامش و امنیت قضائی برای همه احاد جامعه و حتی پیروان دیگر ادیان نیز منجر شود. برای نمونه، حضرت علی علیه السلام درباره شهروندان اهل کتاب که در

۱. بحار الأنوار، ج ۴۱، ص ۵۶.

۲. رعد: ۳۹.

۳. بحار الأنوار، ج ۸۹، ص ۷.



جامعهٔ مسلمین مبادرت به نوشیدن شراب کرده‌اند، می‌فرمایند: «اگر در منازل، عبادتگاه‌ها و معابدشان مرتکب این عمل شده‌اند تا زمانی که میان مسلمانان جریان پیدا نکرده، متعرض آنان نشوید.»^۱

و یا در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است که حضرت علی علیه السلام به والی خود در مصر، محمد بن ابی بکر نوشتند: «زن یهودی‌ای که زنا کرده است، به اهل ملت خودش بسپارید تا به هرنحوی که خواستند براو حکم جاری کنند.»^۲

از احادیث مزبور روشن می‌شود که حضرت در تعامل با آحاد جامعه و از جمله با هریک از غیرمسلمانان اهل کتاب، نه تنها به مساوات برخورد می‌کردند که حتی با اهل کتاب بر اساس قانون خودشان و کتب مقدسشان عمل می‌کردند و یا به دست حاکمان شرع خودشان می‌سپردند تا خود آن‌ها نسبت به هم‌کیشانان، حکم شرعی را اجرا کنند. این نحوهٔ برخورد حضرت علیه السلام با اهل کتاب در زمانی رخ داده بود که حکومت اسلامی در اوج اقتدار و گسترهٔ جغرافیایی بزرگی بود و اهل کتاب نیز در اقلیت بودند و ایشان می‌توانستند بدون کوچک‌ترین مشکلی، بر اساس قوانین اسلامی حکم صادر کرده و قضاوت کنند؛ اما در عین حالی که بعضی اعتقادات و احکام آن‌ها بر طبق موازین شرع اسلام نبود، ولی حضرت بر اساس اصول اخلاقی و تکریم شخصیت انسانی و احترام به ادیان ابراهیمی، قوانین آن‌ها را محترم شمرده و این رخصت را داده بودند که غیرمسلمان بر اساس دین خودش به مجازات عمل خود برسد.

در منظر امیرالمؤمنین علیه السلام حکومت وظیفه دارد در برابریکایک افراد جامعه که در قلمرو حکومت اسلامی زندگی می‌کنند، به رعایت حقوق عمومی افراد جامعه، اعم از مسلمان و غیرمسلمان، حساسیت داشته باشد و نه تنها خود نسبت به ادای حقوق آن‌ها اهتمام ورزد، بلکه نسبت به مراعات این حقوق توسط دیگران نیز نظارت جدی نماید.

وفاداری در پیمان‌ها

پای بندی به مفاد پیمان‌نامه‌ها نه تنها دربارهٔ مسلمانان، بلکه دربارهٔ غیرایشان و حتی دشمنان نیز مورد توصیه و تأکید قرار گرفته است. طبیعی است که شمول این توصیه، اهل کتاب را نیز در برمی‌گیرد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در نخستین روزهای هجرت خود به مدینه، با یهودیان آن شهر پیمان‌نامه‌ای به امضا رساندند و با انعقاد این پیمان، قبایل مختلف مدینه را

۱. الکافی، ج ۸، ص ۲۲۸، ح ۵؛ ج ۸، ص ۲۲۹، ح ۸.

۲. وسائل الشیعه، ج ۲۸، ص ۸۰، ح ۵.



متحد و از عناصر مسلمان و یهود، امت واحدی را تشکیل دادند. در این پیمان نامه تصریح شده بود که متحدین به تشکیل امت واحد و مشخصی اقدام خواهند کرد و مسلمانان بر آیین خویش و یهودی‌ها بر کیش خود باقی خواهند ماند و در هر امری که اختلاف نمایند، باید به خدا و رسولش مراجعه کنند.^۱

در پیمان نامه‌ها و آشتی نامه‌هایی که امام علی علیه السلام با اقلیت‌های دینی و غیرمسلمانان می‌بست، دو نکته مهم به چشم می‌خورد؛ نخست آن که همه جا بر پاس داشت ارزش‌های اخلاقی و کرامت و منزلت انسان تکیه و تأکید شده است، و دوم آن که بر پای بندی به آن پافشاری شده است.

در عهدنامه‌ای که حاکم اسلامی با زردشتیان ایرانی بست، آسان‌گیری، مدارا و مهربانی رهبر مسلمانان با زردشتیان به خوبی دیده می‌شود. در این عهدنامه، حاکم اسلامی دو امتیاز به آنان می‌دهد: گرمی داشت کرامت انسان و ارزش‌های اخلاقی. در این پیمان نامه که در رجب سال ۳۹ هجری و به خط امام حسین علیه السلام نوشته شده است، ایمنی جان، مال، ناموس و آبروی زردشتیان به همراه آزادی دینی، عفو عمومی، سپردن موقوفه‌ها و هدایای وابسته به آتش‌خانه‌ها، برداشتن مالیات و مالیات سرانه (جزیه)، دادرسی برابر قوانین و مقررات خود آنان، انجام نیکوکاری به آنان از سوی کارگزاران خلیفه و پاس داری از جان فرمانده و رئیس زردشتیان تضمین شده است.^۲

در پیمان نامه دیگری که امام علی علیه السلام در سال چهارم هجری در «دیر حرزقل» بسته، آشکارا بیان شده است که این عهدنامه آنان را به انجام کارهای نیک و شایسته و پاس داری از ارزش‌های اخلاقی و کرامت و شأن و منزلت انسانی وامی‌دارد و آنان را از کارهای زشت و ناپسند وامی‌زند. امام علیه السلام در این عهدنامه، دو امتیاز پایه‌ای به مسیحیان داده است: یکی ایمنی و امنیت جانی، مالی و آبرویی که در پرتو آن، آزادی دینی و انجام مراسم مذهبی نیز آمده است؛ و دیگر، کاهش هزینه‌های جنگی و مالیات سرانه (جزیه). بار دیگر، در متن این پیمان نامه بر احترام به پیشوایان و رهبران دینی مسیحیان، جلوگیری از گزندرسانی به کلیساها، خودداری از پیمان شکنی و مانند آن تأکید شده است.^۳

و هم چنین حضرت امیر علیه السلام در جایگاه حاکم جهان اسلام، در فرمان حکومتی خود با نام «عهدنامه» به هنگام انتصاب مالک اشتر به استانداری مصر که به

۱. السیره النبویه، ج ۱، ص ۳۵۱.

۲. دانشنامه امام علی علیه السلام، ج ۴، ص ۲۶۰، به نقل از: عهدنامه‌ای به فرمان امیرالمومنین علیه السلام و به خط حسین بن علی.

۳. همان، به نقل از: عهدنامه حضرت علی علیه السلام با مسیحیان.

همراه دستورالعملی راهی سرزمین مصرش کرده بود، ضمن بیان این نکته که خشنودی خدا در صلح است و نیز آگاه کردن او را از مکر و حيله دشمن و توصیه او به دوراندیشی، او را از خیانت در معاهده با ایشان بر حذر داشته و می‌فرماید: «حال اگر پیمانی بین تو و دشمن منعقد گردید، یا در پناه خود او را امان دادی، به عهد خویش وفادار باش و بر آنچه بر عهده گرفتی، امانت دار باش و جان خود را سپر پیمان خود گردان، زیرا هیچ يك از واجبات الهی همانند وفای به عهد نیست، چراکه همه مردم جهان با تمام اختلافاتی که در افکار و تمایلات دارند، در آن اتفاق نظر دارند. پس هرگز پیمان شکن مباش و در عهد خود خیانت مکن و دشمن را فریب مده، زیرا کسی جز نادان بدکار، بر خدا گستاخی روا نمی‌دارد. خداوند عهد و پیمانی که با نام او شکل می‌گیرد، با رحمت خود مایه آسایش بندگان و پناهگاه امنی برای پناه‌آوردگان قرار داده است، تا همگان به حریم امن آن روی بیاورند. پس فساد، خیانت، فریب، در عهد و پیمان راه ندارد. مبدا قراردادی را امضا کنی که در آن برای دغل‌کاری و فریب، راه‌هایی وجود دارد و پس از محکم‌کاری و دقت در قراردادنمه، دست از بهانه‌جویی بردار. مبدا مشکلات پیمانی که بر عهده‌ات قرار گرفته و خدا آن را برگردنت نهاده، تو را به پیمان شکنی وادارد، زیرا شکیبایی تو در مشکلات پیمان‌ها که امید پیروزی در آینده را به همراه دارد، بهتر از پیمان شکنی است که از کیفر آن می‌ترسی و در دنیا و آخرت نمی‌توانی پاسخ‌گوی پیمان شکنی باشی.»^۱

بدین ترتیب، اهل کتاب در قلمرو حکومت اسلامی، هیچ‌گاه اجنبی به شمار نمی‌آیند و عنوان «بیگانه» در حقوق اسلامی جای خود را به عنوان «هم‌پیمان» می‌دهد و از آن جا که قرارداد «ذمه» به طور دوجانبه و اختیاری منعقد می‌گردد، روح وحدت و هماهنگی که از اراده و اختیار سرچشمه می‌گیرد، بر روابط مسلمین با متحدینشان سایه‌ای از عدل، انصاف و تعاون می‌گستراند.

حفظ امنیت

اهل کتاب باید در سایه اقتدار اسلام، از انواع شئون امنیت مالی و جانی برخوردار باشند. اگرچه این مسئولیت بر عهده حکومت قرار داده شده است، بی‌تردید تا التزام مسلمانان به این مهم نباشد، رفتار حکومتی شکل نمی‌گیرد. از سوی دیگر، اهمیت این نکته، حداقلی به شمار نیامده، بلکه بر رعایت بالاترین اندازه آن تأکید و امر شده است؛ یعنی بنا بر دستورات قرآن، نه تنها اموال و جانشان در امان است، بلکه بر حاکم اسلامی و مسلمانان لازم است از آنان در برابر تجاوز خارجی دفاع

۱. نهج البلاغه، نامه ۵۳.



کنند. بدین ترتیب، اقلیت‌های دینی و اهل کتاب در زمره کسانی قرار می‌گیرند که دولت اسلامی مکلف است مطابق قوانین شرع از محل درآمدهای عمومی، شرایط امنی را برای ایشان فراهم و حفظ و بقای آنان را تضمین و تأمین کند. برای نمونه، در زمان خلافت حضرت علی علیه السلام لشکریان معاویه به یکی از شهرهای تحت سیطره ایشان حمله کرده و عده‌ای را کشته و به خانه‌های مسلمانان و غیرمسلمانان حمله کردند و آن‌ها را مورد اذیت و آزار قرار دادند. هنگامی که این خبر به حضرت می‌رسد، از این موضوع به شدت خشمناک و اندوهگین شده و فرمودند: «به من خبر رسیده که مردی از لشکرشام، به خانه زنی مسلمان و زنی غیرمسلمان که در پناه حکومت اسلام بوده وارد شده و خلخال، دست‌بند، گردن‌بند و گوشواره‌های آن‌ها را به غارت برده، در حالی که هیچ وسیله‌ای برای دفاع، جز گریه و التماس نداشته‌اند! لشکریان شام با غنیمت فراوان رفتند بدون این که حتی يك نفر آنان، زخمی بردارد و یا قطره خونی از او ریخته شود. اگر برای این حادثه تلخ، مسلمانی از روی تأسف بمیرد، ملامت نخواهد شد، و از نظر من سزاوار است.»^۱

و این، اهمیت و توجه حضرت و حکومت اسلامی را نشان می‌دهد که خود را در برابر جان و مال غیرمسلمانان نیز به عدالت مسئول می‌داند و تبعیضی در برابر مسلمان و غیرمسلمان قائل نیست.

نتیجه‌گیری

مهم‌ترین شاخصه‌های رفتاری اهل بیت علیهم السلام در مواجهه با اهل کتاب عبارتند از: اخلاق‌مداری، گفت‌وگو‌مداری عالمانه، قانون احترام، مهرورزی به اهل کتاب، عدالت‌محوری، وفاداری در پیمان‌ها، حفظ امنیت، که تبلور آن در دوره استقرار حکومت نمایان است.

اسلام بر کرامت انسانی بشر با هر قومیت، نژاد، رنگ، ملیت و دینی تأکید دارد.

اخلاق‌مداری زیربنای تمامی مواجهات اهل بیت علیهم السلام به شمار می‌آید.

اهل بیت علیهم السلام همواره منطق گفت‌وگو توأم با استدلال علمی، عقلی، منطقی و تعامل و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز را از مباحث مهم و کلیدی شمرده و دعوت به دین اسلام را در اولویت قرار می‌دادند و تنها در صورت نیاز و ضرورت بر جنگ، به آن مبادرت می‌ورزیدند.

انواع قوانین اهل کتاب که برآمده از اصول مذهبی ایشان است، محترم بوده و معیاری سنجیده برای مواجهه با آن‌هاست.

در برخوردهای اجتماعی هرگونه بی‌ادبی، بی‌احترامی، بدرفتاری و بی‌حرمتی

۱. تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۲۹۳.

به کتب آسمانی، انبیا، مقدسات و باورهای پیروان آنها، در نگاه اهل بیت علیهم السلام خروج از آیین اسلام و دستورات پیامبر صلی الله علیه و آله به شمار می‌آید و باید از آن پرهیز نمود. از منظر اهل بیت علیهم السلام عدالت، رکن اساسی در تمام دعاوی است و در رعایت آن، فرقی میان مسلمان و غیرمسلمان نیست. «حفظ امنیت» از مهم‌ترین دستورات اسلامی است که در تأمین و حفظ و ارتقای آن، تفاوتی میان آحاد مسلمانان و اهل کتاب نیست.



کتاب نامه

- قرآن کریم (ترجمه: علی مشکینی، قم: الهادی، ۱۳۸۱ ش).
- الإختصاص، محمد بن محمد بن النعمان العکبری البغدادی، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۲ ق.
- بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام، محمدباقر مجلسی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۳ ق.
- تحف العقول عن آل الرسول علیه وعلیهم افضل السلام، ابو محمد الحسن بن علی بن شعبه الحرانی، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ پنجم، بی تا.
- تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۶۷ ش.
- تهذیب الأحکام، ابو جعفر محمد بن حسن طوسی، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.
- حکمت اصول اساسی اسلام، محمد تقی جعفری، تهران: بنیاد نهج البلاغه، ۱۳۶۹ ش.
- دانشنامه امام علی علیه السلام، علی اکبر رشاد و همکاران، تهران: مرکز نشر آثار پژوهشگاه فرهنگ اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۰ ش.
- دائرة المعارف بزرگ اسلامی، سید کاظم موسوی بجنوردی و همکاران، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۰ ش.
- دعائم الإسلام و ذکر الحلال و الحرام و القضايا و الأحکام عن اهل بیت رسول الله علیه وعلیهم افضل السلام، نعمان بن محمد ابوحنيفة مغربی، قاهره: دار المعارف بمصر، چاپ دوم، ۱۹۶۵.
- السيرة النبویه، ابی محمد عبدالملک بن هشام المعارفی (ابن هشام)، بیروت: دارالفکر، چاپ اول، بی تا.
- عهدنامه حضرت علی علیه السلام با مسیحیان، حسن جمشیدی، تهران: اداره کل پژوهش های سیما، ۱۳۷۹ ش.
- عهدنامه ای به فرمان امیرالمؤمنین علیه السلام و به خط حسین بن علی، جهانگیر اشدیری، تهران: چیستا، ۱۳۶۰ ش.
- الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، بیروت: دار صعب، چاپ چهارم، ۱۴۰۱ ق.
- کلام مسیحی، توماس میشل، ترجمه: حسین توفیقی، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش.
- مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، میرزا حسین نوری طبرسی، قم، تحقیق و نشر مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول، ۱۴۰۸ ق.
- نفحات الأزهار فی خلاصة عقبات الأنوار، سید علی میلانی، قم: نشر آلاء، ۱۴۲۳ ق.
- نهج البلاغه، ابوالحسن محمد بن حسین (سید رضی)، ترجمه: محمد دشتی، قم: مؤسسه فرهنگی. تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه السلام، چاپ سوم، ۱۳۸۶ ش.
- وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، محمد بن حسن حر عاملی، قم: آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق.





مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی